



پرداخت دیه پسر خردسال بررسی می‌شود

محبوبه قربانی

در خواست دیه از بیت‌المال برای پسر خردسالی که مادرش، او را یسه خاطر بیماری افسردگی در یک حادثه آتش‌سوزی عمدی به کام سرگ کشانده بود، از سوی قضات دادگاه کیفری بررسی می‌شود.

اسفند ۱۴۰۰، مأموران پلیس شرق تهران بعد از تماس زن مسئال و درخواست کمک او برای نجات جان دختر و نوه‌اش در حادثه آتش‌سوزی به آن محل اعزام شدند. بعد از مهار آتش توسط نیروهای امداد و آتش‌نشانی بود که مأموران با جسد سوخته پسر چهار ساله و پیکر نیمه‌جان زن جوانی به نام نیره روبه‌رو شدند که شواهد نشان می‌داد آنها در یک آتش‌سوزی عمدی گرفتار شده بودند.

جسد پسر خردسال به پزشکی قانونی فرستاده و نیره به بیمارستان منتقل شد. مادر نیره که مأموران را باخبر کرده بود اولین کسی بود که مورد تحقیق قرار گرفت. آن زن که صدایش به خاطر فریادهای کمک‌خواهی گرفته و چشمانش از شدت گریه قرمز شده بود در توضیح ماجرا گفت: «مدتی بود نیره به بیماری افسردگی مبتلا شده بود. پسرش چهار ساله بود و کاوه نام داشت. هر چند نیره تحت درمان قرار داشت، اما نمی‌توانست از خودش و فرزندش مراقبت کند، به همین خاطر شوهرش او را به خانه ما آورده بود تا کنار ما باشد. در این مدت یک لحظه هم از دخترم غافل نبودم و همیشه نگران این بودم که میدا سر خودش بلایی بیآورد، اما آخر کار آنچه نباید شد.»

زن میانسال که هق‌هق گریه به امانش نمی‌داد، گفت: «چند روزی بود نیره اصرار داشت به خانه‌اش بر گردد، او می‌گفت دلش برای خانه‌اش تنگ شده و اگر به منزلش برود برای تغییر روحیه خودش و پسرش خوب است. فکر می‌کردم این تغییر برایش لازم است، این شد که قبول کردم و نیره همراه کاوه به خانه‌اش رفت. در چند روزی که دخترم در خانه خودش بود هر روز با هم تماس تلفنی داشتیم. آخرین بار هم از او خواستم نزد ما برگردد، اما او گفت لازم نیست و نگران نباشم. فرای آن روز بود که شماره نیره را گرفتم، اما پاسخی نشنیدم. نه تلفن خانه را جواب می‌داد و نه شماره همراهش را. خیلی نگران شدم و بلافاصله به خانه‌اش رفتم. شعله‌های آتش را که دیدم، پاهایم سست شد و نمی‌توانستم قدم از قدم بردارم. نزدیک شدم و دیدم مأموران در حال خاموش کردن آتش هستند. همان موقع با پلیس تماس گرفتم. یکم از خاموشی آتش بود که جسد نوه‌ام را دیدم و دخترم نیز نیمه‌جان و بی‌هوش گوشه‌ای افتاده بود. او همان موقع به بیمارستان فرستاده و حالا در حال درمان است، امیدوارم زنده بماند.»

وقتی روند تحقیقات نشان داد زن جوان بر اثر افسردگی مرتکب آتش‌سوزی خانه‌اش شده است، مأموران منتظر بهبود نسبی او بودند تا او را مورد تحقیق قرار دهند، اما چند روز بعد از بیمارستان خبر رسیدن زن جوان بر اثر شدت سوختگی جان باخته است.

با مرگ زن جوان، پدر کودک خردسال نامه‌ای نوشت و درخواست دیه از بیت‌المال را مطرح کرد. با نوشتن این نامه، پرونده به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد تا درخواست مرد جوان در یکی از شعبات آن بررسی شود.

به این ترتیب پرونده بعد از تعیین شعبه در وقت رسیدگی روی میز هیئت قضایی شعبه دهم دادگاه قرار گرفت. با اعلام رسمیت جلسه از سوی قاضی رضایی، مرد جوان به جایگاه رفت و در توضیح این درخواست گفت: «من نیره شش سال با هم زندگی کرده بودیم و اختلافی نداشتیم. مشکل ما از زمانی شروع شد که فهمیدم نیره به بیماری روانی مبتلا و به شدت افسرده شده است، او را نزد دکتر بردم و در حال درمان بود. از طرفی خودم مشغول کار بیرون از خانه بودم و نمی‌توانستم کنار نیره باشم، به همین دلیل او را به خانه مادرش بردم تا کنار خانواده‌اش باشد. روزی از محل کار به خانه برگشتم و متوجه شدم نیره به خانه برگشته است. خوشحال شدم و فکر کردم حالش بهتر است تا روز حادثه. آن روز در محل کارم بودم که یکی از همسایه‌ها تماس گرفت و گفت خانه‌ام آتش گرفته است، با عجله خودم را به خانه رساندم. اما در مسیر بود. همسرم که به بیمارستان منتقل شده بود و پسرم در حالی که یک پارچه سفید روی جسدش انداخته بودند، گوشه‌ای آرمیده بود.»

آن مرد در حالی که اشک می‌ریخت، گفت: «بنا به نظر کارشناسان، آتش‌سوزی عمدی و همسرم عامل آن بوده است. حالا که او فوت کرده از دادگاه درخواست دارم با پرداخت دیه فرزندم از بیت‌المال موافقت کند.»

در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.

پلیس: وقتش رسیده صنعت خودرو را درست کنید

حسین فصیحی

کارخانه‌های مونتاژ خودروهای به‌اصطلاح تولید داخل بدون توجه به‌نقدها و حمله‌هایی که علیه آنها مطرح است در جاده تخلّف‌هایی که دارند تخت‌گاز پیش می‌روند. کمتر سازمان یا نهادی در جهان پیدا می‌شود که با چنین گستردگی از نقد‌های صریح مواجه باشند، جان مردمش را به خطر بیندازد و بتواند به حیات خود ادامه دهد. با وجود اینکه نقد‌های صریح و کارشناسانه پلیس مدتی است علیه این کارخانه‌ها شدت گرفته است، اما وارد شدن محصولات بی‌کیفیت تریه‌چرخه حمل‌ونقل نشان از بی‌اثر بودن این نقدها دارد.

وقتی سخن از سانحه رانندگی مطرح می‌شود، ابتدا وسیله نقلیه حادثه‌دیده است که موضوعیت پیدا می‌کند. کمتر پیش می‌آید سرنشینان خودروهای تولید خارج در جریان سوانح رانندگی کشته یا دچار ضایعه شوند. در بخش عمده‌ای از سوانحی که برای این خودروها رقم می‌خورد اصولاً سرنشینان دچار عارضه نمی‌شوند یا کمتر خسارت می‌بینند، اما این موضوع در مورد خودروهای مونتاژ داخل وضعیتی متفاوت دارد، به‌طوری‌که خودروی پراید در برخورد با هر جسم ساکنی مثل یک نهال دچار خسارت می‌شود و همین سانحه می‌تواند به راحتی به مرگ سرنشینانش هم منجر شود. تصاویری که گاهی از بر جای ماندن بقایای این خودروها در جریان سوانح منتشر می‌شود بیشتر به وقایع واقع خورده از سوی قهرمانان فیلم‌های جنگ ستارگان شباهت دارد تا سانحه‌هایی که به دلیل تصادف دو خودرو رقم خورده‌باشد. در همه جوامع پیشرفته، دولت‌ها برای صیانت از جان شهروندانشان هزینه‌های کلانی را تقبل می‌کنند و در صورت بروز یک معضّل به دنبال مسیری برای رفع آن هستند از جمله سهولت وام‌نیت در حمل و نقل که زندگی انسان امروز بدون آن ممکن نیست. مرگ یک شهروند در جریان سانحه رانندگی، ۵۴ میلیارد تومان برای کشور هزینه به همراه دارد. پیامدهای معلولیت یک فرد هم می‌تواند تا پایان زندگی وی، برای او دولت هزینه به همراه داشته باشد، برای همین دولت‌ها به جای هزینه کردن برای پیامدهای ناشی از حادثه آن را صرف بهینه‌شدن کیفیت خودرو و راه می‌کنند که نقشی اساسی در حفاظت از جان کاربران ترافیک دارد.

حجرات

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵



در حالی که کشورهای پیشرفته به دنبال برنامه‌های جدید در حوزه ترافیکی هستند، ما در حال نبرد نابرابر با دو غول تولیدکننده اربابه‌ای مرگ هستیم.

■ استفاده از حلبی به جای فولاد!

سردار کمال هادیانفر، رئیس پلیس راهور فرابرجا روز گذشته بار دیگر ضعف خودروهای داخل را مورد نقد قرار داد و گفت: «هن چند روز پیش به مدیرعامل سایپا گفتم که برای رضای خدا به دنبال کیفیت و ایمنی خودروها بروید. وقتی حرف از تولید خودرو می‌زنند، باید همه ۲ هزار و ۶۰۰ قطعه خودرو را خودشان تولید کنند. این در حالی است که خودروسازان مافقط مونتاژ می‌کنند. الان سالانه ۱/۵ میلیون وسیله نقلیه اضافه می‌شود و کم‌کم خیابان‌ها به پارکینگ تبدیل می‌شوند. در تمام دنیاورق خودرو، فولاد کم‌کربن است، نه حلب سه‌لایه! اینکه



خوشگذرانی در شمال پس از ربودن مرد تاجر

■ آرمین بینا

پدر و بسری که در پوشش، پلیس، مرد تاجر را ربوده و پس از اخاذی میلیاردی با خودروی شاسی‌بلند او برای خوشگذرانی راهی شمال شده‌بودند، بازداشت شدند.

چندی قبل زن سالخورده‌ای در تهران به اداره پلیس رفت و از گم‌شدن ناگهانی پسر میانسالش شکایت کرد.

وی گفت: «پسرم تاجر است و در خانه بزرگی در یکی از خیابان‌های شمالی تهران تنها زندگی می‌کند. خانواده‌اش خارج از کشور هستند و تنها کسی که به خانه‌اش رفت و آمد دارد، من هستم. ساعتی قبل با تلفن همراهش تماس گرفتم، اما جواب نداد و بعد هم به دفتر کارش زنگ زدم که منشی‌اش گفت به دفتر نیامده است. خیلی نگران شدم و در خانه‌اش رفتم، اما در خانه هم نبود و الان احتمال می‌دهم برای او اتفاق ناگواری رخ داده باشد.»

■ ۲۴ روز بعد

با طرح این شکایات تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی به دستور قاضی عظیم سپهرانی، بازپرس شعبه نهم دادرسی امور جنایی تهران برای یافتن مرد تاجر وارد عمل شدند.

بررسی‌های مأموران نشان داد مرد گمشده به نام اردشیر روز حادثه از خانه‌اش با خودروی شاسی‌بلند خارج‌ج‌اش خارج و پس از آن ناپدید شده است.

در حالی که سه روز از حادثه گذشته بود، به مأموران پلیس خبر رسید دو مأمور قلابی که از شیراز ربوده‌بودند، او را در یکی از خیابان‌های جنوبی تهران رها کرده‌اند.

بدین ترتیب مأموران به سراغ مرد تاجر رفتند و از وی تحقیق کردند.

■ ۲ پلیس قلابی

مرد تاجر در توضیح ماجرا گفت: «همسر و فرزندانم خارج از ایران زندگی می‌کنند و من تنها هستم. روز حادثه برای رفتن به دفتر کارم با خودروام از خانه‌ام بیرون آمدم که خودروی پژویی راه مرا سد کرد. داخل خودرو دو مأمور پلیس جوان و میانسال نشستند. پرسیدم که مرد میانسال از خودرو پیاده شد و به سراغ من آمد. او اسم و فامیل مرا می‌دانست و بر گه‌گاهی که در دست داشت به من نشان داد و گفت این حلق کم من است. او گفت اتهام من فساد مالی است و باید بر اساس حکم قضایی همراه او به اداره پلیس بروم. وقتی حکم را خواندم، به آن اطّمنیان کردم و هم راهشان شدم. مرد جوان با خودرو و به راه افتاد و مأمور

■ خوشگذرانی با خودروی سرقتی

دو متهم صبح دپروز برای بازجویی به دادسرای جنایی منتقل شدند و به جرم خود اقرار کردند.

پسر جوان گفت: «پدرم کارمند شرکتی بود و در آمد خوبی نداشت و من هم بیکار بودم. ما دوست داشتیم پولدار شویم

و خوشگذرانی کنیم. همیشه به فکر پول‌های باد آورده بودیم تا اینکه مدتی

قبل پدرم گفت مرد تاجری را می‌شناسد که وضع مالی خوبی دارد و در تهران تنها زندگی می‌کند. پدرم از طریق کارش و رفت و آمدی که با دفتر شاکي داشت، او را می‌شناخت. در نهایت تصمیم گرفتم

مأموران پلیس دریافتند پسر جوان یکی از متهمان است که در پوشش مأمور پلیس همراه پدرش مرد تاجر ربوده و اموال او را سرقت کرده‌است. بدین ترتیب مأموران پدر وی را نیز شناسایی و بازداشت کردند.



تولد ۴ قلوها در یزد

صداری در یزد پس از سال‌ها نازایی صاحب چهار فرزند شد. دکتر نوری‌شادکام، فوق‌تخصص نوزادان بیمارستان شهید صدوقی یزد گفت: مادری ۳۲ ساله پس از ۱۰ سال نازایی، چهار نوزاد شامل دو دختر و دو پسر را در این بیمارستان به دنیا آورد. وزن این نوزادان هنگام تولد بین هزار تا هزار و ۵۰۰ گرم بود. والدین نوزادان حدود ۱۰ سال نازایی داشتند و منتظر بودند صاحب فرزند شوند که خواسته آنان برآورده شد و به یک‌بارها صاحب چهار فرزند شدند. در حال حاضر حال هر چهار نوزاد خوب است.

قتل راننده پژو باشلیک گلوله

تحقیقات پلیس پا یختخ برای بازداشت عامل قتل راننده پژو که پشت فرمان خودرو با شلیک گلوله به قتل رسیده جریان دارد.

به گزارش «جوان»، ساعت ۹ صبح دپروز سه‌شنبه ۱۹ مهر قاضی محمدرضا صاحب‌جمعی، بازپرس ویژه قتل دادرسی‌ای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۴۴ جوادیه تهرانپارس از قتل مردی داخل خودرواش با شخیر و همسره تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

تیم جنایی در محل حادثه پشت فرمان خودروی پژو ۲۰۷ با جسد مرد جوانی به نام ارسلان روبه‌رو شدند که با شلیک گلوله‌ای به سرش به قتل رسیده‌بود.

بررسی‌ها نشان داد مقتول پیمانکار ساختمان است و از مرگ وی هم حدود ۱۴ ساعت می‌گذرد. همچنین مشخص شد عامل یا عاملان قتل از بیرون به سوی او شلیک کرده‌اند.

تحقیقات میدانی هم نشان می‌داد خودرو مقتول از ساعت ۱۹ عصر روز دوشنبه در آن محل پارک بوده‌است.

مردی که موضوع را به مأموران پلیس خبر داده‌بود، گفت: «خودرو پژو از ساعت ۷ عصر روز قبل در محل پارک و روشن بود. من از دور متوجه شدم که راننده پشت فرمان است، اما فکر نمی‌کردم که به قتل رسیده‌باشد. امروز صبح وقتی دوباره همان خودرو را پارک شده و روشن دیدم کنجکاو و به آن نزدیک شدم که دیدم راننده آن خونین روی فرمان خودرو افتاده‌است.»

تحقیقات برای شناسایی عامل یا عاملان قتل ادامه دارد.

کلاهبرداری

با وعده فروش فیلتر شکن

پسر جوان که با راه‌اندازی کانال تلگرامی فروش فیلترشکن از متقاضیان کلاهبرداری می‌کرد، بازداشت شد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ سعید مصطفی مرتضوی، رئیس پلیس فتای اصفهان گفت: چندی قبل شکایت‌های مشابهی درباره کلاهبرداری به پلیس فتای اصفهان گزارش شد. یکی از شاکیان گفت: به دلیل فیلتر شدن شبکه‌های اجتماعی به دنبال فیلتر شکن بودم تا اینکه در یک کانال تلگرامی فروش فیلترشکن عضو شدم. مدیر کانال مدعی بود که با پرداخت مبلغ کمی می‌توانم فیلترشکن مناسبی تهیه کنم برای همین اعتماد کردم و برای پرداخت هزینه فیلترشکن روی لینکی که برای ارسال کرده‌بود، کلیک کردم. بعد از انجام عملیات بانکی ناگهان برانم پیامکی آمد که نشان می‌داد همه موجودی حسابم برداشت شده‌است.

بررسی‌های پلیس در این‌باره نشان داد که متهم با ارسال لینک متقاضیان را به شیوه‌فیشننگ به سایت جعلی هدایت کرده و موجودی حساب آنها را برداشت می‌کند. بعد از کامل شدن بررسی‌ها در این‌باره مأموران موفق شدند متهم را که پسری نوجوان بود، شناسایی و او را بازداشت کنند.

مرگ دختر نوجوان در آتش‌سوزی خانه

دختر نوجوان در شهرستان زنجان در حادثه آتش‌سوزی منزل مسکونی جان باخت.

مجید امیرفضلی، رئیس آتش‌نشانی زنجان گفت: امدادگران بعد از اطلاع از حادثه آتش‌سوزی در یکی از محله‌های شهر در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد ساختمان مسکونی در جریان انفجار دچار آتش‌سوزی شده است که امدادگران بعد از ائین کردن محل موفق به مهار آتش شدند.

براساس این گزارش در جریان حادثه دختر و پسر نوجوان خانواده دچار سوختگی شده بودند که به بیمارستان منتقل شدند. از بیمارستان خبر رسید که دختر ۱۴ ساله به علت شدت جراحت فوت شده است. علت حادثه در دست بررسی است.

مفقودی

کلیه مدارک شامل برگ سبیز و سند کمپانی، بیمه‌نامه و کارت شناسایی خودروی سواری رنو تیپ سپند مدل ۱۳۷۹ به رنگ مشکی روغنی به شماره پلاک ایران ۶۸-۴۴۳-۱۲ و شماره موتور ۵۰۰۹۹۹۵ و شماره شاسی PSY۶۸E۹۰۱۶۶۸۷ متعلق به هما باصری با شماره ملی ۱۸۱۶۹۶۴۸۹ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
افل

مفقودی

برگ سبیز و برگ کمپانی خودروی هاچ‌بک پژو ۲۰۶مدل ۱۳۹۶رنگ خاکستری متالیک شماره پلاک ایران ۳۰-۵۸۸۹-۶۵به شماره موتور ۰۲۰۸۵۳۱۷۴B و شماره شاسی P۱۳۲۸۹۱J۳۲EHH متعلق به غلام دیده‌عنتی با شماره ملی ۰۳۲۱۱۱۶۳۹۹ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
ابریز

مفقودی

برگ سبیز و سند کمپانی خودروی سواری پراید تیپ ۱۳۲مدل ۱۳۹۰به رنگ سفید روغنی شماره پلاک ایران ۳۸-۲۱۶۹-۶۴به شماره موتور ۴۳۱۸۲۶۵ و شماره شاسی ۵۴۴۲۰۰۹۰۰۶۶۹۱J۳۲HF متعلق به محمدرضا حکاک با شماره ملی ۱۷۵۵۹۶۴۶۹۲ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
افل

مفقودی

برگ سبیز سواری هاچ‌بک پژو ۲۰۶ تیپ ۲۰۶ TU۳مدل ۱۴۰۰رنگ سفید به شماره موتور ۱۶۴۲۵۲-۱۸۲A و شماره ایران ۹۱-۳EE۸MJ۴۷۷۸۱۴ و شماره پلاک اسیان ۱۳-۱۱۲۲۱۲ به نام منصور منصورى با کدملی ۰۳۲۱۹۶۲۱۸۰۴ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
ابریز

مفقودی

برگ سبیز و برگ کمپانی و کارت خودروی سواری کوئیک MTمدل ۱۴۰۰رنگ سفید روغنی شماره پلاک ایران ۳۰-۵۳۲۲۲به شماره موتور ۱۵۹/۹۳۰۷۴۱M و شماره شاسی ۱۱۱۱۶۱۶۶۱۰۰۸۴۴۱۰۰۰متعلق به مریم چرخ‌گرد با شماره ملی ۰۴۵۱۵۱۸۵۲۷ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
ابریز

مفقودی

برگ سبیز خودروی سواری سمند تیپ LXE۷مدل ۱۴۰۰به رنگ سفید روغنی شماره پلاک ایران ۳۸-۵۳۲۸-۴۲به شماره موتور ۰۸K۱۲۴۱۵۴۴۴ و شماره شاسی ۳۰۷۰۶NAACP۹۱CEAMF۸۳ متعلق به ماشاءاله عظیمی با شماره ملی ۰۳۲۵۸۱۱۶۴۳۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
افل

مفقودی

برگ سبیز خودروی تاکسی سمند مدل ۱۳۹۶رنگ خورشیدی با نوار مشکی شماره پلاک ایران ۷۸-۲۶۲۳به شماره موتور ۰۳۴۰۰۹۱۴۷H و شماره شاسی ۰۳۳۲۳۹۵۱۴J۳۲HF متعلق به محمدرضا حجاج نوایی با شماره ملی ۰۳۲۳۵۲۱۱۴۲ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
ابریز